خبر

لزوم برگزاری جشنواره فیلم عمار در لبنان

نشست «نظم جدید، دانشجو، مقاومت» به منظور ارائه روایتی میدانی از مقاومت غزه و لبنان برگزار شد. محسن اسلام‌زاده، مستندساز بحران، به عنوان اولین مهمان این برنامه به بیان چگونگی روند حضور خود در لبنان پرداخت و گفت: زمانی که وارد لبنان شدم، مدت زیادی از حادثه پیجرها نگذشته بود و در حال برنامه‌ریزی برای ضبط تصویر بودم که اسرائیل، ابراهیم عقیل را ترور و شهید کرد. ما به محل حادثه رفتیم و متوجه شدیم با پوشش خبرنگار، امکان ورود و تصویربرداری هست و من هم با پوشش خبرنگار و کارت خبری، وارد مکان جلسه و محل ترور شده، تصویربرداری کردم و در تمام مدت حضور در لبنان زیر آتش دشمن از موارد مختلفی تصویربرداری کردم. این مستندساز با مرور کامل خاطرات و اتفاقات رخ داده در بیروت گفت: من همان جا در بیروت هم در قالب یک مصاحبه گفتم، هرکسی که می‌تواند روایتی خلق کند، باید به اینجا آمده و روایت کند. معتقدم امسال جشنواره عمار وظیفه دارد تا در لبنان حضور داشته و نقش‌آفرینی کند، خودم هم پس از برگشتن، رسالتم را ساخت مستند دیدم و نسبت به تولید روایت در قالب مستند اقدام کردم. وی افزود: معتقدم آنچه جلوی قاب دوربین قرار می‌گیرد، روزیِ آدم است ولی آدم هم باید توانایی فنی تصویربرداری از این فرصت‌ها را داشته باشد. به عنوان مثال من با ۵۰ کیلو بار و تجهیزات کامل تصویربرداری به لبنان رفتم.

مجبوریم شترگاوپلنگ بسازیم!

سیدجواد هاشمی که این روزها «شهر گربه‌ها ۲» را در اکران دارد، ضعف عمده فیلم خود را فیلمنامه آن و نبود شناخت از فانتزی‌نویسی در کشور می‌داند

امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

سیدجواد هاشمی، بازیگر شناخته شده سینما چند سالی است که با ساختن آثاری در حوزه کودک و نوجوان به یکی از کارگردانان فعال در این حوزه تبدیل شده است. هاشمی در طول فعالیت خود در مقام کارگردان تاکنون ۵ فیلم ساخته که نخستین آن سه‌گانه آهوی پیشونی سفید و آخرینش شهر گربه‌ها ۲ است که اکنون روی پرده قرار دارد. سینمای کودک و نوجوان همیشه از بخش‌های مهم صنعت سینما به حساب می‌آید و در جهان نشان داده که می‌تواند درآمد سرسام‌آوری برای تولیدکنندگانش داشته باشد با این حال وقتی به این سینما در کشور نگاه می‌کنیم وضعیت برعکس آن چیزی است که در جهان وجود دارد. اکران شهر گربه‌ها ۲ فرصتی فراهم آورده است تا با سیدجواد هاشمی گفت‌وگویی درباره آخرین فیلمش و سینمای کودک داشته باشیم.

شهر گربه‌ها ۲ در واقع پیش درآمدی بر نسخه اول فیلم است، نه ادامه آن، همین موضوع باعث سردرگمی بچه‌ها در سینما شده است. این انتخاب آگاهانه بوده یا دلیل دیگری داشتید؟

نه این تصمیم اصلا آگاهانه نبود و به دلیل برخی مسائل مجبور شدم با حذف یک سری صحنه‌ها و دیالوگ‌ها با استفاده از تدوین تغییراتی ایجاد کنم که متأسفانه قصه را دچار مشکل کرد. البته تماشاگران و بچه‌ها یک ساعت و نیم کاملا فیلم را نگاه می‌کنند و کسی از دیدن فیلم خسته نمی‌شود ولی قبول دارم که یک تشتُت در روند تدوین اتفاق افتاده است.

این تشتت تصمیم ما نبود و چاره‌ای نداشتیم، قصه با حذف اصلی‌ترین موردی که ما به آن پرداخته بودیم، یعنی موسیقی دچار مشکل شده بود و مجبور شدیم موضوع موسیقی را حذف کنیم و یک سری از سکانس‌هایی که خودمان کنار گذاشته بودیم را به فیلم اضافه کنیم برای این‌که مدت فیلم را به نود دقیقه برسانیم و متأسفانه قصه فیلم با این کار دچار مشکل شد.

برخلاف آثار قبلی شما رده‌بندی سنی شهر گربه‌ها هم از کودک به نوجوان رسیده است.

معتقدم لازمه تولید آثار کودک حضور کودک و نوجوان در این آثار نیست، مثلا من در پیشانی سفید از یک نوجوان به عنوان کاراکتر آهو و در جزیره فضایی هم از نوجوانان استفاده کردم. در همه جای دنیا بزرگ‌ترها برای نوجوانان کار می‌کنند و نمونه‌های زیادی هم در ایران وجود دارد؛ مانند برنامه فیتیله که بزرگسالان در آن حضور داشتند. در حوزه کودک لزوما نباید از بازیگر کودک استفاده شود، مخصوصا وقتی بزرگ‌ترها کار کودک را برای بچه‌ها انجام دهند معمولا کار شیرین‌تری تولید می‌شود. مورد بعدی این که ما در شهر گربه‌ها و در یک دنیای فانتزی قرار داریم و در فانتزی، بزرگ‌ترها می‌توانند کودک، گربه یا هر حیوان دیگری باشند.

موضوعی که برای فیلم انتخاب کردید مهاجرت است اما نوع پرداختی که به آن داشتید این‌طور به نظر می‌آید که پیام فیلم بالاتر از گروه سنی کودک و نوجوان یا حتی جوان است. با توجه به این‌که رده‌بندی انتخاب شده برای فیلم کودک است لطفا درباره این ناهماهنگی پیام فیلم با مخاطب هدف بیشتر توضیح دهید؟

رده سنی این فیلم کودک نیست؛ قسمت اول این فیلم کودک و نوجوان بوده و قسمت دوم فیلم کاملا نوجوانانه است. من یک روندی را در فرآیند ساخت و تولید فیلم دنبال کردم که کودکان از فیلم ناراضی نیستند، نوجوانان از فیلم درس می‌گیرند و بزرگ‌ترها با فیلم همراه می‌شوند. توجه داشته باشید که ما در سینمای خصوصی چاره‌ای نداریم چون آن‌قدر منابع مالی نداریم که بتوانیم صرفا برای کودک یا نوجوان کار تولید کنیم و بزرگ‌ترها آن را دوست نداشته باشند. ما مجبوریم که یک شترگاوپلنگی تولید کنیم که بزرگ‌ترها بچه‌های خود را به سینما بیاورند و به همین دلیل چاره‌ای جز این کار نداشتیم. در همه فیلم‌هایم این استراتژی را پیاده کردم تا طیف وسیعی از مخاطب از کار خوششان بیاید. در تورنادو و جزیره فضایی این تجربه را کسب کردم که اگر نوجوان فقط مدنظرم باشد مخاطب بزرگسال خیلی با فیلم ارتباط نمی‌گیرد. به همین دلیل در تولید شهر گربه‌ها مجبور شدم به همان استراتژی که در آهوی پیشونی سفید داشتم برگردم تا بتوانم بزرگ‌ترها را هم جذب کنم.

اشاره‌های جالبی هم در خود فیلم داشتید مانند ارجاع به داستان دکتر جکیل و آقای هاید یا زورو و... آیا برای جذب مخاطب بزرگسال بوده؟

به هر حال در دنیای سینما برداشت آزاد است و مهم این است که شما چه هدفی داشته باشید. مثلا من یک برداشت آزاد و البته دور داشتم و قصه‌ای که در ذهنم بود را نوشتم. توجه داشته باشید که در ایران فانتزی‌نویس تقریبا نداریم؛ یعنی، کسی را نداریم که یک فانتزی خوب و در چارچوب درست و منطقی درام که نقص‌های کمی داشته باشد، بنویسد. من برای این کار از پنج خانم نویسنده خیلی باتجربه به عنوان مشاور کمک گرفتم اما باز هم آن چیزی که دلم می‌خواست و آن چیزی که می‌توانست به عنوان یک نوشته درجه یک مورد ارزیابی ذهنی خودم قرار بگیرد از آب در نیامد و همچنان معتقدم ضعف اصلی کارهای من در فیلمنامه است.

در سینمای امروز بخش خصوصی حضور فعالی در بخش بزرگسال دارد اما در حوزه کودک با این‌که می‌تواند به سوددهی بالاتری هم دست یابد حضورش ناچیز است، از نظر شما دلیل این بی‌رغبتی بخش خصوصی برای ورود به سینمای کودک چیست؟

این بی‌رغبتی دلایل زیادی دارد؛ اولا این‌که برای دولت خوشایند نیست سینمای خصوصی زیاد رشد کند. همان‌طور که ما در بخش خصوصی نمی‌توانیم شبکه تلویزیونی یا پلتفرم بدون نظارت داشته باشیم. در سینما هم سینمای خصوصی ممکن است کار خودش را بکند و به همین دلیل کسانی که قدری بیشتر به مقوله ممیزی اعتقاد دارند چارچوب‌ها را سخت‌تر و سنگین‌تر می‌کنند برای این‌که سینمای خصوصی از نفس کشیدن ساقط شود. مگر این‌که چیزی بسازد که هیچ آورده آموزشی فرهنگی و آموزشی نداشته باشد و سینما تبدیل شود به یک مرکز تفریحی صرف. سینما به عقیده من در وهله اول تفریحی، در وهله دوم فرهنگی و در وهله سوم آموزشی است. وقتی سینما فقط به سینمای تفریحی تبدیل می‌شود و فیلم‌هایی در آن میلیاردها تومان فروش می‌کند اما چیزی به مردم اضافه نمی‌شود یعنی این سینما حتی یک قدم از مردم جلو نمی‌افتد. وقتی به چنین آثاری بها داده می‌شود سینمای فرهنگی و آموزشی دچار خدشه و مشکل می‌شود. مثلا فارابی ۸۰ فیلم فرهنگی و آموزشی ساخته اما هیچ کدام فروش بالایی نداشته چون سینما تلفیقی از این سه ضلع است. مخصوصا در سینمای کودک بخش‌های آموزش و تفریح اهمیت زیادی دارد؛ در حالی که در حوزه بزرگسال بخش فرهنگی و تفریحی اهمیت بالایی ندارد. آیا می‌توان الان یک سینمای فرهنگی از ایران که فروش مناسبی داشته باشد مثال زد؟ هرگز. آیا می‌توان یک فیلم آموزشی صرف برای بچه‌ها که قدری تفریحی باشد نشان دهید که فروش کرده باشد؟ خیر. متأسفانه مجبوریم آن بخش به قول مادرم «زهرماری» فیلم را بیشتر کنیم تا مخاطب جذب شود و این یعنی انحطاط در سینما. اگر سینمای خصوصی سراغ فرهنگ و آموزش برود شکست می‌خورد، چون دولت نمی‌خواهد سینما از واژه تفریح به صورت صرف جدا شود. می‌گویند اگر می‌خواهید در سینمای خصوصی پول در بیاورید فیلم‌هایی که خودم هم در آنها نقش داشتم مانند فسیل، انفرادی، زودپز و صبحانه با زرافه‌ها را بسازید. برای این‌که این فیلم‌ها آثاری نیستند که جلوتر از مردم باشند بلکه عقب‌تر از مردم حرکت می‌کنند.

رسالت سینما این است که جلوتر از مردم راه برود اما امروزه فیلمی که جلوتر از مردم حرکت کند فروش بالایی ندارد. این بلای خانمان‌سوزی است که سر سینما آورده‌اند، متاسفانه در ده سال اخیر مسئولان سینمایی کشور خواسته یا ناخواسته سینما را به سمت تفریح صرف برده‌اند.

این روزها در سینما به رده‌بندی سنی توجهی نمی‌شود و شاهد بودم خانواده همراه کودک به تماشای فیلمی نشسته‌اند که مشخصا مناسب سن کودک نبوده است، نظر شما درباره اهمیت رده‌بندی در سینما امروز ایران چیست؟

وقتی خوراک فرهنگی برای بچه‌ها وجود نداشته باشد مشخص است که کودکان سراغ تماشای «زخم کاری» می‌روند که مناسب سن آنها نیست و جز ضرر چیزی برای آنها ندارد. وقتی سینما اثر ایرانی مناسب برای رده‌های سنی کودک و مخصوصا نوجوان که در محدوده سنی حساس بین کودک و نوجوان هستند ندارد، مسلم است که در چنین شرایطی بچه‌ها سراغ دیدن فیلم‌هایی نامناسب با شرایط سنی‌شان می‌روند. در صورتی که در سینمای جهان شاهدیم آثار زیادی برای گروه‌های سنی مختلف تولید و رده‌بندی سنی رعایت می‌شود اما در سینمای ما متأسفانه رده‌بندی سنی وجود خارجی ندارد. دلیلش هم این است که ما بلد نیستیم چنین فیلم‌هایی بسازیم و بزرگ‌ترهایی که تجربه ندارند برای بچه‌ها تصمیم می‌گیرند. من ادعا می‌کنم که ۳۰ سال معلم بودم و ادعا می‌کنم که من این تخصص را دارم که برای بچه‌ها تصمیم بگیرم؛ اما کسانی برای فیلم من تصمیم می‌گیرند که یک دهم تجربه مرا ندارند. به همین دلیل فیلم من چهار سال اجازه اکران پیدا نکرده و به همین علت فیلمی آشفته، درهم و غلط اکران می‌شود و من شرمنده مخاطب می‌شوم.

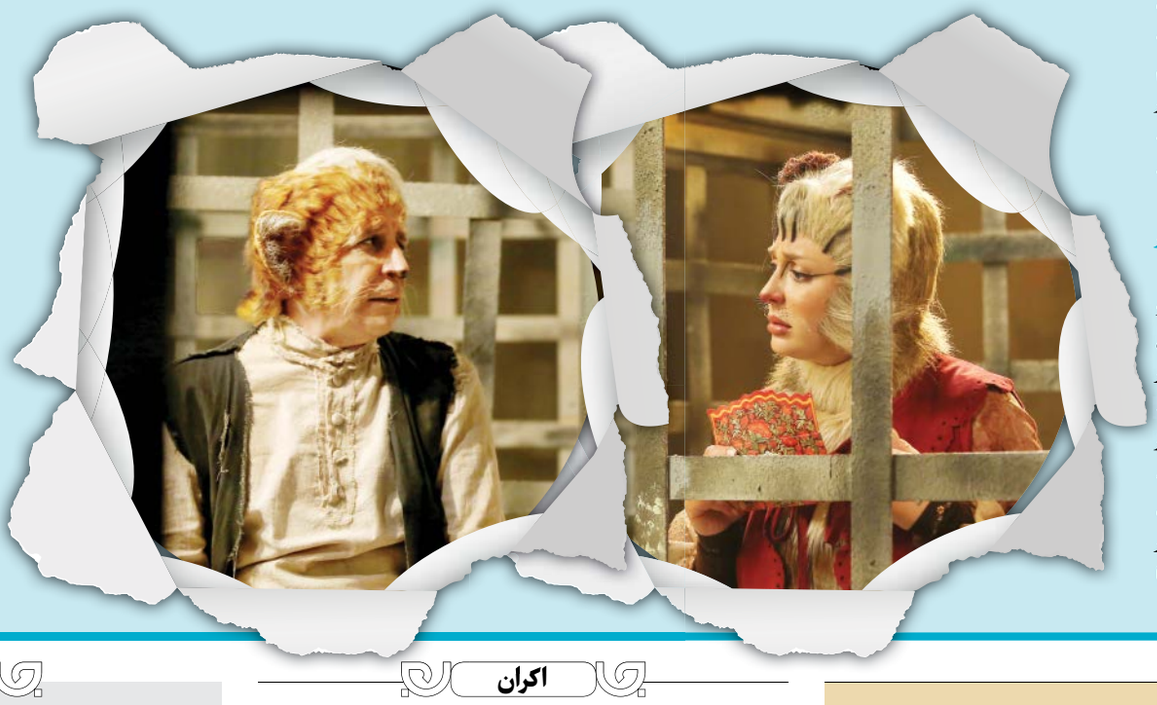

نقدروز

سیدمحمد سلیمانی | منتقد

نگاهی به مستند «لعبت‌باز» ساخته پوریا نوری

واقع‌گرایی به سبک لعبت‌باز عاشق

«لعبت‌باز» بیش از آن‌که اثری مستند و روایتگر، درباره به فراموشی سپرده شدن تدریجی یک هنر سنتی قدیمی و ارزشمند ایرانی و تلنگری به نهادهای تصمیم‌گیرنده برای ترویج دوباره آن باشد، اثری تغزلی درباره دلبستگی‌های یک استاد خبره هنر خیمه‌شب‌بازی به این هنر نمایشی و نفوذ آن به تار و پود زندگی شخصی و شغلی اوست. پوریا نوری به عنوان کارگردان این اثر مستند، سعی می‌کند با انتخاب یک خط روایی کمرنگ در پس‌زمینه آنچه که به عنوان تصاویر مستند در مقابل نگاه مخاطبانش قرار می‌دهد، نقبی بزند به دنیای ذهنی هنرمندی که در آستانه مهاجرت فرزند - شاگردش که سال‌ها برای آموختن فنون هنر خیمه‌شب‌بازی به او تلاش کرده، گویی در سفری کوتاه به گذشته و آینده با تلفیق کلام و تصویر به جای نشستن و افسوس خوردن، حرکت و تلاش برای یافتن مخاطبانی در سراسر ایران را آغاز می‌کند. سیاوش ستاری از نگاه مستندساز، هنرمندی است که از دل گفت‌وگوهای درونی‌اش با مبارک به عنوان شخصیت اصلی صحنه نمایش خیمه‌شب‌بازی - که حالا به نوعی قرار است جای خالی دخترش را هم برایش پر کند

- حضور در میان مخاطبان را به جای تمرکز بر کلاس درس انتخاب می‌کند. پوریا نوری هم با درک درستی که از ماهیت نمایشی هنر خیمه‌شب‌بازی دارد، به جای رفتن سراغ مستندی گفت‌وگومحور که تولید آن طبعا با دشواری‌های کمتری همراه می‌شد، دوربینش را به میدانی می‌آورد که لعبت‌باز عاشق در آن حضور دارد. در جاهایی از اثر، نام و تصویر استادان و شاگردانی که خیمه‌شب‌بازی را با سنت استاد - شاگردی به نسل امروز منتقل کرده‌اند، می‌بینیم و با برخی از بازماندگانش هم آشنا می‌شویم ولی باز هم فیلم آگاهانه از نزدیک شدن به یک پرتره صرف درباره هنر خیمه‌شب‌بازی فاصله می‌گیرد و همراه با دل‌مشغولی‌های ستاری، او را در دو فضای متفاوت به تصویر می‌کشد. یکی حضور در میان بچه‌های محروم ولی باهوش و علاقه مند روستاهای سیستان و بلوچستان و تلاش او برای آموزش کاربردی این هنر به همان شیوه استاد - شاگردی و دیگری همراه شدن با تنهایی‌ها و مونولوگ‌های آخرین استاد فعال هنر خیمه‌شب‌بازی و شخصیت سیاه خیمه‌شب‌بازی یا همان مبارک. این بخش از اثر که آشکارا حضور کارگردان در آن چشمگیرتر و موثرتر است، در کنار نماهای حضور پردامنه ستاری در مناطق مختلف سیستان و بلوچستان با مناظری از طبیعت زیبا و منحصربه‌فرد آن، فیلم را به لحاظ مضمونی و بصری در مسیری خلاقانه و تاثیرگذار قرار می‌دهد. دوربین سیال نوری در جاهایی که بچه‌های سیستانی شاد و پرتحرک به استقبال خیمه ستاری می‌آیند و به‌رغم ناهمگونی ویژگی‌های فولکلوریک منطقه و آنچه که خیمه‌شب‌باز عاشق ارائه می‌کند، ارتباط زنده ای با آن برقرار می‌کنند، ابزاری مناسب برای به‌تصویر کشیدن جهانی است که هنر سنتی در آن همچنان زنده است. نگاه مستندساز به وجوه گوناگون رفتار استاد خیمه‌شب‌بازی، بدون هرگونه موضع‌گیری مزاحم واقعیت، نوعی واقع‌گرایی به سبک لعبت‌باز عاشقی است که می‌داند فرصت زیادی ندارد و باید تا دیر نشده، برای زنده نگه داشتن شمایلی دوست‌داشتنی از سنتی قدیمی، پا در جاده‌هایی دور و دراز بگذارد.

قاب

اکران «ببعی قهرمان» و «باغ کیانوش» در سامانه شاد

به همت موسسه بهمن سبز و با همکاری سامانه دانش‌آموزی شاد، امکان اکران سیار فیلم‌های سینمایی در مدارس و کانون‌های آموزشی برای مدیران، مربیان و معلمان مدارس سراسر کشور فراهم شد. تا پیش از این، دسترسی مسئولان آموزشی مدارس به خدمت اکران سیار فیلم‌های سینمایی محدود به نقاط جغرافیایی خاص از جمله شهرهای بزرگ بود و دانش‌آموزان سراسر کشور بخصوص در مناطق محروم، امکان تماشای فیلم‌های سینمایی کودک و نوجوان در حال اکران در سینماها را نداشتند.

بیش از ۷۰ درصد شهرهای ایران فاقد سینما هستند و اکران سیار، بستری برای ایجاد سازمان جدید تماشا برای آثار سینمای ایران در مناطق فاقد سینماست.

اکران

روایتی از ایثار دانش‌آموزان در فیلم «پاییز سرخ»

در مراسمی با حضور مدیرکل آموزش و پرورش استان ایلام، فیلم مستند «پاییز سرخ» با روایت رشادت‌های دانش‌آموزان شهید و سه کتاب با موضوع دفاع‌مقدس رونمایی شد، این رویداد با هدف آشنایی نسل جوان با ایثارگری‌های دوران دفاع‌مقدس برگزار شد.

فیلم مستند پاییز سرخ، روایتی است از زندگی دو دانش‌آموز شهید، اکبر مردانی و مهدی بازگیر که در حمله هوایی رژیم بعث به سرابباغ آبدانان به شهادت رسیدند. همچنین این فیلم داستان داراب آغاسی، معلم خرمشهری که سال ۱۳۵۹ به عنوان معلم به سراب باغ آمد را روایت می‌کند.

در این مراسم، از سه کتاب دانش‌آموزی «قمحانه» نوشته رها عزیزمرادی، «مردانی از ایل من» نوشته سوگند زاهدی و «باغ رویایی» نوشته صدف عزیزی مرادی، با موضوع دفاع‌مقدس رونمایی شد. این کتاب‌ها حاصل تلاش دانش‌آموزان ایلامی برای پاسداشت ارزش‌های دفاع‌مقدس است. این رویداد نشان از اهمیت حفظ و انتقال ارزش‌های دفاع‌مقدس به نسل جوان دارد و امید است که روحیه شهادت‌طلبی بین دانش‌آموزان تقویت شود.

رویداد

تقدیر از «هوک» در جشنواره فیلم‌های ورزشی

چهل و دومین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی ۲۰۲۴ میلان ایتالیا با حضور چند فیلم ایرانی در بخش‌های مختلف برگزار شد که جایزه و نشان افتخار این دوره در بخش داستانی بلند به فیلم سینمایی «هوک» به کارگردانی حسین ریگی اهدا شد. در آیین پایانی این جشنواره فرانکو اسکانی، رئیس فدراسیون جهانی فیلم و تلویزیون ورزشی (FICTS)، مقامات شهر میلان ایتالیا و چهره‌های فرهنگی و ورزشی، جایزه فیلم‌های برگزیده را اهدا کردند.

در این جشنواره فیلم‌های سینمایی «پرویزخان» به کارگردانی علی ثقفی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی، هوک به کارگردانی حسین ریگی و تهیه‌کنندگی علی آشتیانی‌پور، مستند «اژدها وارد می‌شود» به کارگردانی محمدحسین عباسی و تهیه‌کنندگی محمدحسین میثاقی، مستند «باشگاه اندیشه» به کارگردانی جعفر صادقی و فیلم کوتاه «فِم فوتبال» به کارگردانی شقایق آسیایی نماینده رسمی ایران در این دوره بودند.

این جشنواره به عنوان یکی از ۱۶ پایگاه جهانی و میزبان کشورهای آسیا و آفریقا برای ورود به جشنواره جهانی میلان، مورد توجه فیلمسازان و سینماگران این کشورهاست.